

افزایش تجاوز اروپایی‌ها به حیوان نجیب!

تعرض به اسب‌ها در سوئیس که یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان است، حالا به نگرانی یک بنیاد دفاع از حقوق حیوانات تبدیل شده است. این موضوع برای کسانی که معتقدند تساهل غرب در مسائل جنسی موجب عادی شدن و خروج آن از آسیب‌های اجتماعی است، قابل توجه است، زیرا نشان می‌دهد مسائل جنسی در غرب با فرهنگ موجود، نه تنها طبیعی و عادی نشده بلکه انسان را از جنس مخالف به سوی تعرض به حیوان نجیب کشانده است!

رفتن به کشور هفت و نیم میلیونی سوئیس با ثروت فراوانش آرزوی خیلی از گردشگران است. خیلی‌ها هم که توان رفتن به آن کشور را ندارند در حسرت رسیدن به آن زادهایی هستند که در آن کشور و در برخی از جوامع غربی وجود دارد. دیدن جاذبه‌هایمختی از رؤیایی است که ممکن است با گردش در شهرهای آن کشور محقق شود. بلند شدن صدای فغانان دفاع از حقوق حیوانات در این کشور نشان می‌دهد که نیمه‌های تاریکی هم در پس این آزادی‌های دلفریب وجود دارد.

این بنیاد اعلام کرده است که میزان تجاوز و سوء استفاده از حیوانات در این کشور رو به افزایش گذاشته است. زمانی که صحبت از افزایش به میان می‌آید باید پذیرفت که احتمالاً جامعه سوئیس وجود تعرض به حیوانات را پذیرفته بوده و آنچه اکنون مایه نگرانی شده است، افزایش این تعرض‌ها می‌باشد. گرایش به این موضوع می‌تواند ریشه در انحطاط اخلاقی جامعه غرب داشته باشد. انحطاط اخلاق زمانی صورت می‌گیرد که برآورده شدن غرایز دیگر از راه‌های قانونی و مسالمت‌آمیز امکان پذیر نمی‌باشد، از همین رو افراد با تغییر در سلیاق خود گرایش انسانی خود را با توسل به حیوانات برآورده می‌کنند.

مطابق آماری که ارائه شده است در سال گذشته میلادی میزان سوء استفاده جنسی از حیوانات حدود ۱۰ درصد نسبت به سال قبل تر از آن افزایش داشته است. همین آمار نسبت به یک دهه قبل سه برابر شده است.

بر اساس گزارش منتشرشده در روزنامه ۲۰ دقیقه در کشور سوئیس، در این کشور ۱۱۰ هزار اسب در ۱۸ هزار مزرعه وجود دارد که می‌توان گفت بیشتر از ۱۰ هزار نفر در سوئیس متهم به سوء استفاده جنسی از حیوانات هستند که در این میان اسب‌ها از قربانیان مهم این سوءاستفاده‌ها می‌باشند. درباره علت این گرایش هم بسیاری پوچ گرابی و وانگاری افراطی و انحراف جنسی را از عوامل این رفتار ضد اخلاقی و غیر انسانی می‌دانند. در حالی که بسیاری دلایخته آزادی‌های جوامع غرب هستند، خود دولتمردان آن کشورها این آزادی‌های تعبیر شده را انحطاط اخلاقی می‌دانند که گاه گریبان دولتمردان آنها را هم می‌گیرد.

فرا د باز پرس قلابی از مجازات

مردی که متهم است در پوشش باز پرس ویژه قتل تهران قصد کلاهبرداری ۲۰۰ میلیون تومانی از شهروندی را داشته بود، در دادگاه تبرئه شد. به گزارش خبرنگار ما، سیدگی به این پرونده اسفند ماه سال ۹۳ با شکایت حسین روشن، باز پرس ویژه قتل سابق تهران از سوی کارآگاهان به جریان افتاد. شاکي در توضیح ماجرا گفت: من حسین روشن هستم و تا یک سال قبل باز پرس ویژه قتل پایتخت بودم و در حال حاضر هم دفتر و کالت دارم. مدتی قبل برای شست و شوی خودروم به کارواشی رفتم که در آنجا یکی از افسران پلیس را دیدم. او مرا به اجتماع کارواش معرفی کرد، اما صاحب کارواش مدعی شد که یکی از مشتریان دیگرش هم خودش را حسین روشن، باز پرس ویژه قتل معرفی کرده و قرار است با گرفت ۲۰۰ میلیون تومان از یکی از دوستانم کاری برای او انجام دهد. به همین دلیل به اداره پلیس آمدم و از این مرد شکایت دارم. پس از طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی مدیر روستا، باز پرس شعبه ششم دادسرای جنایی تهران برای تحقیقات در اختیار کارآگاهان پلیس قرار گرفت. سپس مأموران دست به تحقیق زدند و دریافتند متهم که پرویز نام دارد، مدتی است به این کارواش رفت و آمد داشته و با جعل عنوان باز پرس ویژه قتل قصد کلاهبرداری از شهروندی را داشته است. همچنین بررسی‌های دیگر حکایت از آن داشت که متهم در پرونده دیگری نیز که باز پرس آن روشن بوده با معرفی خود به عنوان پسر عموی حسین روشن قصد کلاهبرداری داشته که با تیزهوشی باز پرس روشن موفق به کلاهبرداری نشده است. پس از این مأموران پلیس با آموزش صاحب نمایشگاه، متهم را در یک قرار صوری دستگیر کردند.

متهم در بازجویی‌ها گفت: فامیل من روشن است و وقتی فهیمد باز پرسیمی همنام من در دادسرا است، برای بزرگنمایی خودم را باز پرس روشن معرفی می‌کردم تا اینکه وقتی خودم را در کارواش به عنوان باز پرس معرفی کردم و دوست صاحب کارواش از من خواست برای آزادی یکی از بستگانشان از زندان کاری انجام دهم، من مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان پیشنهاد دادم و آنها هم قبول کردند.

متهم پس از تحقیقات تکمیلی و صدور کیفر خواست در شعبه ۱۱۵۸ دادگاه کیفری دو استان تهران محاکمه شد. متهم در جلسه دادگاه از خود دفاع کرد و گفت که مرتکب جرمی نشده و از کسی کلاهبرداری نکرده است. تحقیقات هم پس از شنیدن دفاعیات متهم و وکیل مدافعی وی را تبرئه کرد.

مرد جنايتكار كه همسر و دو فرزندش را به قتل رسانده بود، برای بررسی سلامت روجی و روانی به پزشکی قانونی معرفی شد. اولین گزارش خبرنگار ما از این حادثه روز پنج شنبه ۵ آذر ماه در صفحه حوادث به چاپ رسید.

به گزارش خبرنگار ما، صبح دیروز برای نخستین بار ششادمهر ۲۷ ساله که متهم است روز پنج شنبه ۲۶ آبان ماه همسر و دو

پسر دوساله و ۱۵ روزدش را در جانیی هولناک در خانه‌شان حوالی منطقه نعمت‌آباد به قتل رسانده، در شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران مقابل قاضی منافی آذر مورد بازجویی قرار گرفت و به قتل همسر ۳۰ ساله و دو پسرش اعتراف کرد. متهم روز حادثه پس از مصرف شیشه دست به جنایت زد و پس از یک دعوی ساختگی با یکی از همسایه‌ها، راهی زندان شد تا در حادثه‌ای که رقم زده بود، مأموران پلیس را فریب دهد، اما هفت روز بعد از زندان با خواهرش تماس گرفت و از او خواست برای آزادی‌اش وثیقه‌ای آماده کند و همین موضوع باعث شد تا شوهر خواهرش پای در قتلگاه این خانواده بگذارد و اجساد این سه عضو خانواده را کشف کند. متهم لخله‌ای که وارد شعبه شد، خیلی آرام روی صندلی نشست و چشمانش را به زمین دوخت.



استخدام در شرکت‌های نفتی و

سرمایه گذاری در بورس های خارجی،

بهانه‌ای بود که مدیران یک شرکت هرمی با

فربب جویندگان کار، آنها را به ناسرت بگیرند

و مجبوره به اطاعت از قوانین خودساخته

کنند. نخستین گزارش فعالیت شبکه‌های

گلد کوئیستی ۲۹ مهر ماه به چاپ رسید.

به گزارش خبرنگار ما، ۲۸ آبان ماه پسر جوانی وارد دادسرای ناحیه ۳۱ تهران شد و از ماجرای گرفتار شدنش در یک شرکت هرمی خبرداد. او گفت من اهل شهری در جنوب کشور هستم و مدتی قبل به واسطه یکی ا بستگانم برای استخدام در یک شرکت نفتی به مرد جوانی معرفی شدم. وقتی وارد دفتر شرکت که در سعادت آباد قرار داشت، شدم، متوجه شدم آنجا شباهتی به شرکت رسمی ندارد؛ چراکه یک آپارتمان مسکونی بود. بعد از پر کردن فرم‌های استخدام، تحت آموزش‌های بازاریابی قرار گرفتم. آنجا بود که من از خواستارنده به عنوان ضمانت، ۱۴ میلیون تومان به حساب مردی به نام بهمان که مدیر شرکت بود، واریز کنم. شساکي ادامه داد: پس از واریز کردن پول، مدیر شرکت گفت باید برای محصولاتی که شرکت معرف آن است، بازاریابی کنم و در قبال آن پورسانت بگیرم. چند روز که گذشت فهیمد که شرکت اصلاً در جریان فروش هیچ محصولی فعالیت نمی‌کند و یک شبکه گلد کوئیستی است، بنابراین تصمیم گرفتم با گرفتن

در حالی که سخنگوی ناجا از تبرئه مأموران پلیس سبزو ار خیرداده بود، اعتراض آنها به قرار بازداشت‌شان از سوی دادگاه پذیرفته نشد.

به گزارش خبرنگار ما، شش مأمور پلیس آگاهی شهرستان سبزوار بامداد دوشنبه ۴ آبان ماه در جریان بازداشت قاتل فراری در تهران وی و دو همدستش را با شلیک گلوله کشتند. پس از این حادثه قاضی منافی آذر، باز پرس ویژه قتل دادسرای جنایی تهران همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل به تحقیق پرداختند. تیم جنایی در محل حادثه که حوالی سه راه افسریه بود با جسد دو مرد به نام‌های شاهین و پژمان که بررسی‌ها نشان داد برادر هستند، روپرو شدند که با گلوله کشته شده بودند. تحقیقات بعدی هم نشان داد در این حادثه دو مرد دیگر هم به شدت زخمی و به بیمارستان

آخرین حرف مرد جانی‌تکار که متهم است همسر و ۲کودک بی گناهش را به قتل رسانده است

قاتل همسر و ۲ کودک: زیر فشار مادرزن و باجناقم بودم!



از آن زندگی‌ام رو به تباهی رفت. وی در پاسخ به به سؤال قاضی که قبل از اعتیاد با همسر اختلاف نداشتی، گفت: قبل از این به خاطر باجناقم با همسر ام اختلاف پیدا کردم. یک سال قبل متوجه شدم، باجناقم همیشه پشت سر من حرف می‌زند تا اینکه یک روز وقتی به خانه آمدم با او در گیر شدم و دو ضربه چاقو به او زدم. پس از حادثه او را به بیمارستان بردند تا اینکه بهبود پیدا کرد و به اداره پلیس رفت و از من شکایت کرد. من در دادگاه محکوم

سعی کرد با سکوت مظلوم‌نمایی کند و ابتدا پرسش‌های باز پرس را با بله و خیر جواب داد. وقتی باز پرس از او خواست درباره حادثه بیشتر توضیح دهد، انکار زبانش کمی باز و جواب‌هایش طولانی‌تر شد. متهم در ادعایی گفت: من اهل یکی از روستاهای شهرستان هشتگرد هستم. چندین سال قبل معتاد به مواد مخدر شدم. همه جور مواد را از شیشه تا هروئین و کراک مصرف کردم. غرق در مصرف مواد بودم که عاشق یکی از دخترهای روستا شدم. پس از این تصمیم گرفتم اعتیاد را ترک کنم و به خواستگاری دختر مورد علاقم بروم. دو سالی از ترک اعتیادم گذشته بود تا اینکه خانواده‌اش با ازدواج ما موافقت کردند. پس از این به تهران آمدم و استاد رنگ کاری میل شدم. زندگی‌ام داشت رونق می‌گرفت که بعد از هفت سال دوری از مواد دوباره به شیشه روی آوردم. سه هفته قبل از حادثه بود که یکی از دوستانم در بزم دوستانه‌ای تعارف کرد مواد مصرف کنم و من هم مصرف کردم. پس

به ۶۰ میلیون دیه شدم، اما پولی نداشتم به او بدهم. از آن روز به بعد مادرزنم همیشه به همسر می‌گفت که دیه او را بدهیم و همین موضوع باعث درگیری ما شد. من ۱۲ میلیون به او دادم، اما او اصرار داشت همه دیه‌اش را بگیرد. روز حادثه شیشه مصرف کرده بودم که با همسر در گیر شدم. گلویش را گرفتم و آنقدر فشار دادم تا اینکه نفسش قطع شد. پس از این شال گردنی را به گلویش پیچاندم و آنقدر کشاندم تا مطمئن شوم فوت کرده است. پسر ۱۵ روزه‌ام در همان اتاق خواب بود که او را هم خفه کردم و بعد به سراغ پسر دو ساله‌ام رفتم. او در اتاق دیگری در حال بازی بود و متوجه درگیری ما نشده بود. وقتی او را دیدم به من لیختنی زد و شاید هم می‌خواست با او بازی کنم. این آخرین لیختن پسرم بود که لخطانی بعد به گریه تبدیل شد و بعد هم با همان شال گردن...

وی در پاسخ به سؤال دیگری که چطور همسایه‌ها متوجه درگیری شما نشدند، گفت: ۱۵ روز قبل همسرم را برای زانمان به خانه مادرش در هشتگرد بردم تا اینکه دو روز قبل از حادثه او را به خانه برگردانم و همسایه‌ها هم متوجه نشدند. از طرفی هم ما همیشه با هم درگیری داشتیم و این موضوع برای همسایه‌ها عادی بود.

متهم وقتی با این سؤال که دو فرزندت را به چه گناهی کشتی، ابتدا دقایقی سکوت کرد و بعد گفت: من حالت عادی نداشتم و وقتی همسر را کشتم برای اینکه به زندگی‌ام پایان دهم، طناب داری را آماده کردم و بعد تصمیم گرفتم دو فرزندم یکشکم تا در آن دنیا با هم باشیم. اما پس از قتل سه عضو خانواده‌از خودکشی پشیمان شدم.

وی در پاسخ به این سؤال که چرا در زندان به مأموران نگفتی همسر و دو فرزندت را کشتی گفت: باور نداشتم که همسر و دو پسرم را در خانه به قتل رسانده‌ام و فکر می‌کردم واقعیت نداشته باشد تا اینکه باز پرس به سراغم آمد و موضوع را به من گفت و من هم اعتراف کردم. وی در پایان گفت: من دفاعی از خود ندارم، اعدامم کنید.

در پایان متهم به دستور قاضی منافی آذر برای بررسی سلامت روحی و روانی به پزشکی قانونی معرفی شد. تحقیقات از متهم از سوی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی ادامه دارد.

نماینده‌گی فروش شرکت‌های معتبر» و... وارد شرکت شده و ناگزیر بوده‌اند یک یا چند نفر را در قبال واریز ۱۲ میلیون تومان به حساب سرشیکه به چرخه کلاه‌ معرفی کنند. مرکز اطلاع‌رسانی پلیس آگاهی تهران بزرگ از تمامی شهر وندان به ویژه جوانان درخواست کرد به صرف اظهارات برخی افراد یا تبلیغات صورت گرفته، در شبکه‌های مجازی در خصوص ادعای قانونی بودن اینگونه شرکت‌ها و فعالیت آنها تحت عناوین بازار یابی و... اعتماد نکنند و قبل از هر گونه فعالیت در این شرکت‌ها حتماً نسبت به قانونی بودن فعالیت آنها اطمینان حاصل کنند. اداره چهاردهم پلیس آگاهی تهران بزرگ، به صورت ویژه و تخصصی مسئولیت قانونی پیگیری و برخورد با فعالیت شرکت هرمی (گلد کوئیستی) در سطح شهر تهران را بر عهده دارد، بنابراین از کسانی که از هر گونه فعالیت فرد یا افرادی در این خصوص اطلاعاتی در اختیار دارند، درخواست می‌شود تا اطلاعات خود را از طریق شماره تماس ۵۱۰۵۵۵۱۴ در اختیار این اداره قرار دهند.

منتقل شده‌اند. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت به مأموران پلیس خبر دادند یکی از زخمی‌ها که مرد جوانی به نام رشید است، در بیمارستان فوت کرده و دیگری هم یک سرباز وظیفه است که از مرگ نجات یافته است. یکی از مأموران پلیس سبزوار در بازجویی‌ها گفت: مدتی قبل شاهین در شهرستان سبزوار مرتکب قتل شد و به همراه یکی از دوستانش به نام رشید که از سارقان سابقه‌دار است از سبزوار فرار کردند. پس از این تحقیقات درباره دستگیری متهمان آغاز شد تا اینکه دریافتیم آنها به تهران گریخته‌اند. بدین ترتیب با حکم قضایی برای دستگیری آنها به تهران آمدم. بنابراین شش مأمور پلیس سبزوار به جرم قتل عمد برای تحقیقات بیشتر در بازداشت داریم، اما آنها از محل گریختند. پس از یک تعقیب و گریز، آنها را در حوالی سه راه

درمان بیماران بامدرک مهندسی کامپیوتر!

احتمال دارد بیمارانی با نسخه‌هایی که این پزشک قلابی تجویز کرده به کام مرگ رفته باشند



کارشناس مهندسی کامپیوتر که متهم است با جعل عنوان پزشک عمومی در درمانگاه‌های پایتخت طبابت می‌کرد، با داشت نشد. به گزارش خبرنگار ما پرونده متهم ۴۲ ساله که محمد حسن م نام دارد، شامگاه نهم آبان ماه به جریان افتاد. آن شب مدیر یکی از درمانگاه‌های تهرانیپارس، مأموران کلانتری ۱۴۴ جوادیه تهرانیپارس را از ماجرا باخبر کرد. وقتی مأموران کلانتری در محل حاضر شدند، مدیر درمانگاه گفت، احتمال می‌دهد یکی از پزشکان که خودش را دکتر محمد حسن فاتحی‌نیا معرفی کرده، قلابی باشد؛ چراکه حاضر نیست اوراق مهر پزشکی‌اش را ارائه کند. او توضیح داد: مدتی قبل برای استخدام یک

پزشک عمومی در روزنامه آگهی استخدام دادیم تا اینکه مرد میانسالی مراجعه کرد و با ارائه یک شماره نظام پزشکی، خودش را دکتر محمد حسن فاتحی‌نیا معرفی کرد. من به حرف او اعتماد کردم و برای درمان بیماران مشغول کار شد. از او خواستم که مدارک پزشکی‌اش را ارائه دهد، اما هر روز بهانه می‌آورد تا اینکه با اعتراض کارکنان داروخانه و بیماران مواجه شدم. بیماران می‌گفتند که داروهایی که این مرد برایشان تجویز کرده حاشان را بدتر کرده است. بنابراین از پلیس درخواست کمک کردم.

محمد حسن اصرار داشت که پزشک عمومی است و به مأموران پلیس گفت که مهر پزشکی‌اش خراب شده و تا چند روز دیگر آن را به مدیر

بعد از مطرح شدن شکایت از سوی مدیر در مانگاه، کارآگاهان اداره سیزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ دست به تحقیقات تخصصی زدند. بررسی شماره نظام پزشکی ارائه شده نشان داد این شماره متعلق به یک خانم دکتر است. تحقیقات بیشتر هم نشان داد که هویت اصلی متهم محمد حسن م است و به هیچ عنوان در رشته پزشکی یا حتی رشته‌های مرتبط با آن تحصیلی یا سابقه کار نداشته است.

او وقتی مورد بازجویی قرار گرفت، گفت: من لیسانس مهندسی کامپیوتر دارم و به خاطر تخصصی که در رشته کامپیوتر داشتم همه مدارک و اوراق پزشکی را جعل کردم. پس از آن هم تصمیم گرفتم با معرفی خودم به عنوان پزشک، بیماران را در مان کنم. پس از دیدن آگهی استخدام پزشک در روزنامه به آن درمانگاه مراجعه کردم و مشغول درمان بیماران شدم تا اینکه به دام افتادم. در حالی که متهم مدعی بود تنها در همان درمانگاه مشغول طبابت بوده است، بررسی‌های کارآگاهان نشان داد که ادعای او دروغ است و در مراکز دیگری هم بیماران را ویزیت کرده است!

سرهنگ کارآگاه محمدرضا ذاکر استقامتی، معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات برای شناسایی سایر مراکز که متهم تحت عنوان پزشک به آنها مراجعه و مشغول به کار شده، در جریان است. وی با اعلام دستور انتشار بدون پوشش تصویر متهم گفت: «با توجه به جعل عنوان پزشک عمومی از سوی متهم و احتمال مراجعه وی به سایر مراکز درمانی سطح شهر تهران در پوشش پزشک و انجام کلاهبرداری بدین شیوه، به منظور شناسایی سایر شکات احتمالی، دستور انتشار بدون پوشش تصویر متهم از سوی مقام محترم قضایی صادر شده است؛ بنابراین شاکیان برای طرح شکایت به اداره سیزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ در خیابان وحدت اسلامی مراجعه کنند؛ همچنین این تمامی شهروندان محترم که از دیگر اقدامات مجرمانه متهم اطلاعاتی در اختیار دارند، درخواست می‌شود تا هر گونه اطلاعات خود را از طریق شماره تماس ۵۱۰۵۵۵۱۴ در اختیار اداره سیزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار دهند».

سقوط قسمت بار کامیون میان بزرگراه

راننده حواس پرت پس از خالی کردن بار کمپرسی بدون اینکه قسمت بار را به حال اول بازگرداند، راهی بزرگراه شد تا اینکه قسمت بار پس از برخورد با تابلوی راهنما به وسط خیابان سقوط کرد.

ساعت ۲۳:۴۵ شامگاه شنبه، راننده‌های عبوری وقوع حادثه را به سامانه ۱۲۵ اعلام کردند. پس از آن بود که آتش نشانان ایستگاه ۷۰ در محل حادثه در مسیر جنوب به شمال بزرگراه سعیدی، حداثفصل سه راه بوتان

و خیابان شمشیری حاضر شدند. راننده کامیون پس از تخلیه رضا فرج محمولو، فرمانده آتش نشانان گفت: راننده کامیون پس از تخلیه بار، بی‌آنکه قسمت بار کمپرسی را به حالت اول بازگرداند، در حال حرکت بود که ناگهان قسمت بار آن زیر تابلوی راهنمایی گیر کرد و پس از جدا شدن از کامیون وسط بزرگراه سقوط کرد.

وی ادامه داد: آمداد گرس از ایمن کردن محل، قسمت بار را به محل امن منتقل کردند.

افسری به دام انداختیم. وقتی خواستیم متهمان را دستگیر کنیم، ناگهان آنها به ما حمله کردند. از آنجایی که آنها سابقه همراهی سلاح گرم داشتند، ما به آنها شلیک کردیم و این حادثه رخ داد.

پس از این قاضی منافی آذر، متهمان را مجرم شناخت و برای آنها قرار بازداشت صادر کرد. شش مأمور پلیس به قرار بازداشت اعتراض کردند. اعتراض مأموران پلیس به قرار بازداشت به شعبه دوم دادگاه کیفری استان ارسال شد و قاضی عزیز محمدی پس از بررسی اعتراض مأموران را رد کرد و قرار بازداشت موقت آنها را تأیید کرد. بنابراین شش مأمور پلیس سبزوار به جرم قتل عمد برای تحقیقات بیشتر در بازداشت به سر می‌روند.



حسین فیضی

طغیان آسیب‌های اجتماعی نتیجه فرار از هزینه‌های فرهنگی است

وضعیت فرهنگ اسفبار است. این را می‌شود از روی شمارگان کتاب‌ها و روزنامه‌ها، تعداد سالن‌های سینما و تئاتر‌ها، کتابخانه‌ها و آنچه به حوزه فرهنگ مربوط می‌شود به صرافت دریافت. حوزه فرهنگ ارتباط معناداری با اجتماع و آسیب‌های آن دارد. اگر این روزها شاهد طغیان آسیب‌های اجتماعی نظیر شیوع مخدرهای صنعتی، گسترش فحشا، بروز جرائم خشن و آسیب‌های خطرناکی از این دست هستیم، باید ریشه آن را در سیاستگذاری‌های اشتباه در حوزه فرهنگ جست‌وجو کرد. با یک برآیند کلی می‌توان به صرافت دریافت سن افرادی که این روزها دچار انواع بزهکاری‌ها و آسیب‌های اشاره شده هستند، بین ۱۵ تا ۳۵ سال است؛ یعنی در ۳۵ سال گذشته کمترین توجه به حوزه فرهنگ صورت گرفته است، اما دلایل طرح این ادعا کدام است؟ در پاسخ باید گفت که سه حوزه آموزش و پرورش، علوم و تحقیقات و فرهنگ و ارشاد اسلامی در کلیت حوزه فرهنگ قرار می‌گیرند. اگر به ساختارهای سیاسی کشور هم در این بین نیم‌نگاهی داشته باشیم، خواهیم دید که این سه حوزه از حوزه‌های پرتشنگ در دولت‌ها بوده‌اند و کمتر سراغ داریم که تعیین وزیر برای کابینه‌های آن بدون حاشیه دنبال شده باشد. دلیل روشن تنش‌ها هم این است که دولت‌های داندند تربیت نسلی که همگام با سیاست‌های آنها باشد از مجرای همین حوزه‌ها می‌گذرد تا نقشه‌ها، گاز، برآیند کاما و ویرتینی است پیش روی چشم همگان قرار دارد و در در آمد این متن به آن اشاره شد.

در بین سه حوزه مورد اشاره، نقش آموزش و پرورش بیش از دو حوزه دیگر اهمیت دارد؛ چراکه کادر سازی برای ادامه حیات سیاسی حکومت، از مجرای این نهاد عبور می‌کند. در جوامع پیشرفته بین ورودی و خروجی این نهاد نظارت‌های مستمری وجود دارد؛ چراکه مهم‌ترین موضوع برای دولت، خروجی است که باید منجر به ورود فارغ‌التحصیلان به بازار کار شود بنابراین تربیت نیروی کار در هنگام تحصیل هم صورت می‌گیرد که این امر نیازمند داشتن برنامه و صرف هزینه‌های بسیار است. دولت‌های ایسن جوامع به شدت در این حوزه هزینه‌های بسیار کرده‌اند؛ چراکه در صورت نپرداختن هزینه ناگزیر خواهند بود آن را سال‌های بعد برای رفع آسیب‌های اجتماعی هزینه کنند. اتفاقی که در حال حاضر در کشور، ما شاهد آن هستیم، یعنی در سه دهه گذشته نبود یک برنامه جامع در نظام آموزشی و دعوایهای سیاسی در این حوزه‌ها سبب شد تا کمترین توجه به این ساختار صورت گیرد. نمونه بارز آن اینکه با گذشت سال‌ها از حیات سیاسی شاهدیم که مدارس دولتی که بیشترین امر دانش آموزان در آن تحصیل می‌کنند، برای رفع نیازهای پیش از افتاده مثل هزینه بازی با مایع شوئوبی و ماشینکات بسیاری مواجه هستند. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که تربیت نیروی کار در چنین ساختاری شکل گیرد. نکته دیگر اینکه در چنین نظام آموزشی، تکیه بر آموزش افراد است تا پرورش آنها. بنابراین در چنین ساختاری بسیاری از دانش آموزان به دلایلی مثل دور بودن مدارس از محل زندگی‌شان که بیشتر شامل روستاها

می‌شود یا توان مالی نداشتن خانواده برای تأمین هزینه، ناگزیر به رها کردن تحصیل می‌شوند. از آنجا که این عده از بازماندگان ادامه تحصیل که آمارشان هم فراوان است، در نظام آموزشی پرورش نیافته‌اند و بیکاری مهم‌ترین دغدغه آنهاست، آسان‌ترین راه را می‌روند به شبکه‌های جرائم است، انتخاب می‌کنند.

نکته دیگر، درباره گرفتار شدن نخبان جامعه در چرخه آسیب‌های اجتماعی است. این روزها فارغ از سیل عظیم آسیب‌دیده و بزهکاری دریافت، دولت حالا هزینه‌هایی را که باید صرف حوزه فرهنگ می‌کرد تا دانش آموزان آینده‌ساز کشور شوند، باید صرف نگهداری از افرادی کند که بازگرداندن آنها به جامعه امکان پذیر نیست.

اگر این روزها شاهد طغیان آسیب‌های اجتماعی هستیم، ریشه آن در غفلت‌هایی است که در حوزه‌های فرهنگ صورت گرفته است. این موضوع را می‌توان به خوبی در گزارش‌های میدانی با افراد آسیب‌دیده و بزهکاری دریافت. دولت حالا هزینه‌هایی را که باید صرف حوزه فرهنگ می‌کرد تا دانش آموزان آینده‌ساز کشور شوند، باید صرف نگهداری از افرادی کند که بازگرداندن آنها به جامعه امکان پذیر نیست.